

ستایش زندگی به عنوان باور زردشتیان

نقش یافته بر ظروف فلزی ساسانی

ندا اخوان اقدم*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱/۱۸

چکیده

دوره ساسانی، از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی در ایران پیش از اسلام است؛ به همین سبب آثار هنری به‌جا مانده از این دوره نیز در مطالعات تاریخ هنر دارای اهمیت خاصی هستند. فلزکاری، یکی از شاخه‌های مهم هنری در این دوره به شمار می‌آید که آثار متعددی نیز از آن به‌جا مانده است. آثار فلزی ساسانیان را می‌توان بر اساس شکل ظروف و نیز نقوش روی آن تقسیم‌بندی کرد. این مقاله، به آن دسته از ظروف فلزی ساسانی خواهد پرداخت که منقوش به تصاویر زنان رقصنده، نوازندگان، صحنه‌های جشن و تصاویری از مجالس شادی‌اند. پژوهشگران، تاکنون، تفاسیر مختلفی برای این نقوش ارائه کرده‌اند، اما این مقاله سعی دارد تا از نقطه‌نظری دیگر و با روش توصیفی - تحلیلی، این ظروف و نقش‌مایه‌های آنان را مورد بررسی قرار دهد و در همین راستا، به کاوش در پژوهش‌های پیشین در این زمینه نیز می‌پردازد. اگرچه هیچ‌گاه نمی‌توان تفسیری قطعی از این نقش‌مایه‌ها ارائه کرد، اما پژوهش پیش‌رو، می‌تواند دیدگاه جدید و متفاوتی را برای تفسیر این دسته از آثار هنر ساسانی در اختیار پژوهشگران قرار دهد.

کلید واژه‌ها: هنر ساسانیان، فلزکاری ساسانیان، نقوش بر ظروف فلزی ساسانی

* عضو هیأت علمی پژوهشکده هنر n.akhavanaghdam@gmail.com

مقدمه

هنر ساسانی وارث گذشته ایرانی است. هنر ایرانی در این دوره، صورتی ترکیبی داشت؛ یعنی با اینکه از شرق و غرب تأثیر پذیرفته بود اما در بوتۀ ملیت ایرانی گداخته و با یک برنامه سیاسی، با هدف بازگرفتن اعتبار و افتخار گذشته هخامنشیان، بار دیگر به شکل هنر ملی درآمده بود. (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۱۳۴)

این هنر، بیانگر موقعیت اجتماعی و مذهبی ایران در نیمۀ نخست سده اول میلادی است. در واقع، یک دولت مرکزی قدرتمند و یک موقعیت تثبیت شده مذهبی، زندگی روزمره را به نظم درآورد و تحت تأثیر قرار داد. این نظم در همه ابعاد زندگی ساسانیان متجلی شد؛ در هنر ساسانی تأکید ویژه‌ای بر نظم و روشن شدن طرح می‌شود که این امر، بازتابی از یک حکومت قدرتمند است. آثار به‌جامانده از این دوره، دارای اهمیت خاص سیاسی، دینی و آیینی هستند و ظاهر آنان با نیازهای سلطنتی و آیین‌های مذهبی هماهنگ است (Harper, 1986: 592). این دوره را می‌توان یکی از مهم‌ترین دوره‌ها در تاریخ هنر ایران دانست که رد پای مضامین هنری آن، در ایران پس از اسلام نیز مشاهده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که همین امر، گاهی تاریخ‌گذاری اشیای بدست آمده را دشوار می‌سازد. در واقع، هنر در دوره ساسانی مفهوم کاربردی‌تری یافت. از این دوره، علاوه بر معماری و کتیبه‌ها، نقاشی، موزاییک، سفالینه‌ها، شیشه‌گری، فلزکاری، منسوجات و حتی اسنادی از موسیقی به‌جامانده است. اگرچه تاکنون، تنها آن دسته از آثاری که منعکس‌کننده زندگی و عقاید طبقه حاکم است مورد کاوش و مطالعه دقیق قرار گرفته است اما شاید حفريات باستان‌شناسی در آینده، در مراکز اقامت و حکومت ساسانیان، اطلاعات ما را درخصوص هنر این دوره افزایش دهد.

فلزکاری در دوره ساسانی، موردتوجه گروه زیادی از هنرمندان بود که این امر می‌تواند با کاهش چشم‌گیر تعداد نقوش برجسته صخره‌ای در ایران، ارتباط مستقیم

داشته باشد. آثار متعدد فلزی مربوط به این دوره، اغلب خارج از مرزهای ایران ساسانی یافت شده‌اند و همه در موزه‌های معتبر جهان نگهداری می‌شوند. تعیین تاریخ و محل ساخت این ظروف دشوار است. ظروف فلزی دربار ساسانی همراه با تصاویر پادشاهان، بخشی از تبلیغ دولت بودند و به‌عنوان هدایایی برای هم‌پیمانان و حاکمان همسایه فرستاده می‌شدند. تعدادی از ظروف نیز به دستور فرمانروایان، نجیب‌زادگان و اعضای خاندان شاهی که بر بخش‌های مختلف ایران حکومت می‌کردند، ساخته شده‌اند. این اشیای فلزی، اغلب به شکل بشقاب‌های گرد و بزرگ، کاسه گرد، تنگ بیضی و گلدان گلایی شکل با گردنی پهن هستند. تزئین این ظروف، به شیوه‌های متفاوت انجام شده؛ برخی از آنها، چکش‌کاری یا حکاکی و یا قلم‌کاری شده، اما گاهی پلاک‌هایی که از پیش و به‌طور جداگانه تزئین شده، روی این ظروف نصب شده‌اند.

در ابتدای دوره ساسانی، ظروف با تصویر نیم‌تنه پادشاهان، اعضای خاندان شاهی و بزرگان تزئین می‌شد، اما پس از برداشتن محدودیتی که شاپور دوم برای تولید ظروف نقره اعمال کرده بود، در سده چهارم و پنجم میلادی، تصاویر پادشاه و یا شاهزاده در حال شکار و نیز تصاویری از اعضای طبقه نجیب‌زادگان و خانواده‌شان متداول گشت. در سده‌های ششم و هفتم میلادی، مضامین دیونسیسیکی^۱، با تأثیرپذیری از غرب معمول شد و تصاویر زنان رقصنده، نوازندگان و مراسم شادی و جشن، دستمایۀ هنر فلزکاران آن دوران قرار گرفت (Scerrato, 1966: col. 721; Chegini & Nikitin, 1996: 71, 72, 75). برخی از این ظروف، دارای طرح‌هایی از حیوانات، گیاهان، اشکال هندسی و نیز موضوعات دینی و یا اساطیری هستند و برخی دیگر، تزئین خاصی ندارند. البته تمام ظروف فلزکاری عصر ساسانی، به دستور پادشاه وقت ساخته نشده‌اند و متعلق به دربار نیستند. بخشی از ظروف ساسانی، اشاره به پادشاه ویژه‌ای ندارند و نشان‌دهنده صحنه‌های جشن و شادی هستند. بر روی این ظروف، اغلب، زنانی دیده می‌شوند که با

به عنوان دین رسمی دولت و مردم در تولید این مضامین هنری، نقش بسزایی را بازی کند.

یکی از مهم ترین ارکان دین زردشتی به عنوان دین رسمی دربار، ستایش زندگی مادی است. از هر زردشتی انتظار می رود که از زندگی مادی خود لذت ببرد و هیچ آسیبی به تن مادی خود نرساند. در دین زردشتی، زندگی مادی که در آن هیچ خللی ناشی از حمله اهریمن نباشد همیشه تحسین می شود. به نظر می رسد این باور مهم زردشتی می تواند بر برخی از آثار هنری آن دوره، سایه افکنده باشد. آیا می توان گفت که تصاویر منقوش بر این ظروف، همان زندگی ایده آلی است که هر زردشتی می توانست در صورت نبود حمله اهریمن و نیامدن کژی و ناراستی به زندگی مادی، داشته باشد؟ یا همان زندگی ستوده شده و موعودی است که پس از نابودی اهریمن در انتظار هر زردشتی خواهد بود؟

بررسی توصیفی - تحلیلی برخی از ظروف فلزی ساسانی با نقوشی از جشن و شادی

تنگ نقره تخم مرغی شکل زیبایی در موزه ایران باستان نگهداری می شود که تزئین آن به صورت نقش برجسته با زمینه طلاکاری شده است (تصویر ۱). این ظرف، مرکب از چهارقوس طاقی شکل زیبا و آراسته به خوشه های انگور و برگ مو است که در زیر آنان، زنانی در حال رقص هستند. زیر پای دو تن از زنان، سرهای شیری دیده می شود که دهانشان به سوی دهانه ظرف است. در انتهای ظرف، نقش اژدهای بالدار که نشان و نماد ایران دوره ساسانی بوده، به چشم می خورد. یکی از زنان، شاخه گلی در دست راست و ظرفی که تصور می رود حاوی دانه های میوه است در دست چپ دارد و در دو طرف او روباه و قرقاولی دیده می شوند. گیسوی بلند و زلف و کلاه و طرح جامه و گردن بند و حالت سینه های این بانو و پارچه درازی که اطراف بازوان او پیچ خورده، در هر چهار تصویر یکسان است. در تصویری دیگر، زنی حلقه ای در دست راست و گلی در دست چپ دارد. در

نشانه های خاصی در دست، در حال رقصند. برخی از پژوهشگران بر این باورند که این تصاویر با آیین آناهیتا، ایزدبانوی آب و باروری ایران، مرتبط است اما برخی دیگر، آن را مربوط به جشن های فصلی می دانند. این ظروف، صحنه هایی از مراسم انگورچینی، جشن ازدواج و نیز طرح های هندسی، گیاهی و جانوری را نیز بر خود دارند. آلیاژی که این کاسه های کوچک فلزی با آن ساخته شده اند، حاوی مقدار زیادی مس است و به همین سبب، در مقایسه با ظروف نقره ای درباری ارزش کمتری دارند (Harper, 1986: 590).

تصاویری که در هنر ساسانی به کار گرفته شده، چنانچه از نقطه نظر اساطیری و فرهنگ ایران باستان مورد بررسی قرار گیرند، دارای مشخصه های خاصی خواهند بود؛ در هنرهای تزئینی مضمون های حیوانات مانند: گاو نر، اسب، قوچ، خروس و گیاهان مانند: انار و گل لاله و همچنین شخصیت های اساطیری، هر کدام دربردارنده معنای خاصی در فرهنگ، اقتصاد و مذهب هستند. علاوه بر این، می توان گفت این مضامین، تجلیلی از هدایا و نعمت های زندگی است که به شکل استعاره های تصویری بیان شده اند. ناگفته پیداست تمامی آنچه که در هنرهای تزئینی ساسانی مورد ستایش قرار می گیرند، از بهترین و مفیدترین آفریده های خداوند هستند؛ جنگجوی شجاع و شکارچی قهرمانی که تاج بر سردارد، محترم و به یقین بهترین پادشاه است. ملکه جوان و نجیب زاده ای که تصویرش روی سنگ قیمتی حکاکی شده، بهترین آفریده مؤنث است. اسب چابک، با ساز و برگ کامل و یال، بهترین مرکب است. (Azapay, 2000: 74-75)

تاریخ ساخت بیشتر این ظروف مربوط به سده های ۶ و ۷ م. است؛ در این دوران هنر از انحصار کامل دربار خارج می شود و فرمانروایان و صاحب منصبان، اختیار تولید آثار هنری را به دست می آورند. تولید این ظروف، گسترده می شود و مضامین آن نیز متنوع می گردد. در این میان، طبیعی است که باورها و عقاید جامعه در این دوره بر روی نقوش هنری تأثیر گذار شود و دین زردشتی

تصویر بعدی، شاخه بلند درختی که گل و برگ دارد در دست راست و عودسوزی در دست چپ زنی دیگر قرار دارد و در دو طرفش کبک و تذروی جای گرفته‌اند. در تصویر چهارم، زن، پرنده‌ای در دست راست دارد که آن را بالا نگه داشته است و روباهی را از دم گرفته و آن را حرکت می‌دهد. باز هم تصویر کبک و تذرو در دو طرف او دیده می‌شود. حاشیه‌هایی از برگ‌مو که در اطراف تصاویر دیده می‌شود، این باور را برای برخی از محققان ایجاد کرده که در آن موسم انگور چینی، مجلس بزمی در تاکستان ترتیب داده شده و این حرکات بانو، گونه‌ای از حرکات نمایشی است. در چهار جانب بالای ظرف، چهار نقش کوچک از زنان دیده می‌شود؛ یکی در حالتی شبیه بازی با طناب و دیگری در نقش رامشگری که دست راست را بر سینه گذارده و دست چپ را دراز نموده است و دو زن دیگر، پا را روی پا انداخته و سازی چون عود می‌نوازند (Harper, 1978: 60_61).

سه کاسه نقره دیگر که بر آنان تصاویر زنان نقش بسته است در موزه ایران باستان نگهداری می‌شوند (تصویر ۳ و ۴). این ظروف، در ناحیه مازندران، نزدیک دریای خزر پیدا شده‌اند. این سه کاسه، حاوی شش صحنه مختلف رامشگری است که در دو صحنه آن زن، ظرفی در دست راست و پرنده‌ای در دست چپ دارد و در چهار تصویر دیگر، آلات موسیقی عهد ساسانی در دست این بانوان مشاهده می‌شود. بزرگ‌ترین این کاسه‌ها در قسمت خارجی خود، مدالی مرکزی با تصویر پرنده‌ای با دم بلند و کاکل دارد که نوار جواهرنشانی دور تا دور گردن او بسته شده است. اطراف این تصویر، کل سطح کاسه، به بخش‌های مساوی با چهار سری گلبرگ‌های سه‌تایی تقسیم شده است. لبه کاسه و نیز مدال میانی، دارای لبه برجسته مرواریدی شکل است. در هر یک از چهار قسمت، تصاویری از زنان نوازنده دیده می‌شود که هر یک زیر درخت موئی هم‌شکل، که به یک خوشه بزرگ انگور ختم می‌شود، ایستاده‌اند. چهار سازی که این چهار زن می‌نوازند عبارتند از: بربط، سرنا، قاشقک و نوعی ارگ دستی که به ارغنون مشهور است. کاسه

دوم، مانند کاسه نخست است؛ با این تفاوت که از آن کمی کوچک‌تر است و شامل چهار نقش که ناتمام مانده است. در یک نقش، تصویر زنی در حال نواختن عود و در نقش دیگر، زنی در حال نواختن سرنا نشان داده می‌شود. در تصویری دیگر، زنی طاووسی روی دست چپ خود نشاند و ظرفی دسته‌دار را در دست راست گرفته است. در تصویر چهارم، زنی، ظرفی شبیه به جام که در آن دانه است در دست راست دارد و کیسه باریکی که نوک آن به دهان یک قرقاول می‌رسد، در دست چپ زنی دیگر قرار دارد. برخی نقش‌ها، ناقص مانده‌اند و به همین سبب، تشخیص پاره‌ای از قسمت‌ها ممکن نیست. طرح ساده این کاسه‌ها و نقش‌هایی که بر سطح خارجی این ظروف اعمال شده، در فلزکاری ساسانیان رایج و متداول نیست و یادآور گروهی از ظروف در آسیای میانه است که تحت تأثیر هنر یونانی ساخته شده‌اند. البته این بدان معنی نیست که این کاسه‌ها محصول آسیای میانه هستند؛ بلکه در زمانی ساخته شده‌اند که ایران، پذیرای تأثیرات آن منطقه بوده است. تصویر زنان نوازنده، از آن روی جالب است که از سنت ساسانیان در نشان دادن چهار تصویر یکسان زنان روی ظروف نقره پیروی می‌کند. تنها اختلاف اساسی قابل مشاهده این است که زنان، نمادها یا نشانه‌های خوش‌یمن و خوشبختی در دست ندارند بلکه آلات موسیقی می‌نوازند.

شیوه ارائه تصاویر در این سه کاسه، خطی است. سرها و پاها از نیم‌رخ، اما شانه‌ها و سینه‌ها از روبرو تصویر شده‌اند. خطوط پارچه لباس و درختان مو، طرحی انتزاعی و پیچیده را نشان می‌دهد. نوشته‌ای به خط پهلوی بر گلبرگ‌هایی که این چهار تصویر را از هم جدا می‌کنند، نقش بسته است و آگاهی‌های بسیاری درباره این ظروف ارائه می‌دهد. نوشته‌های روی این سه کاسه به ترتیب از این قرارند:

1) wnd't 'wrmzdy Y k'ln'n NPŠH MN 3LZ 6
Z(W)Z(N) sng

متعلق به ونداد اورمزد کارنان که (متشکل) از ۳۰۶

درم^۲ (نقره است)

2) wnd't 'wrmzdy Y k'ln'n NPŠH MN 2LZ
202020 10 4 Z(W)Z(N) sng

متعلق به ونداد اورمزد کارنان وزن آن ۲۷۴
درم(است)

3) 'člmyk Y štlwyn'n NPŠH MN 2LZ 2
ZWZN M3 Y P(W)N sng

متعلق به آذرمیگ شرونان که وزن آن ۲۰۲ درم و
سه دانگ(است)

«ونداد اورمزد»، اسمی که روی دو ظرف اول نوشته شده، نامی نادر و غیرمتداول است. در تمامی تاریخ ایران، تنها یک فرد با این نام شناخته شده و آن کسی است که در همان منطقه‌ای که این کاسه‌ها یافت شده، سپهبد بوده است. وی مهاجمان عرب را از طبرستان یا همان مازندران راند و دین زردشتی را زنده نگاه داشت. براساس شجره‌نامه خانوادگی، او از نوادگان کارن بود. نام صاحب ظرف نیز کارنان ذکر شده که معنای آن نواده کارن است که در سده هشتم میلادی در طبرستان می‌زیست. در مورد کاسه سوم باید گفت که شخصی با نام آذرمیگ شرونان، در تاریخ شناخته شده نیست. شاید نام پدر و جد او شروین^۳ باشد اما این نظر را نیز نمی‌توان به قطعیت پذیرفت (مصطفوی، ۱۳۳۸: ۶۸-۷۳؛ Frye, 1973: 6؛ Harper, 1978: 77-78؛ Henning, 1959: 133-134؛ McKenzie, 1971: 6)

ظرفی دیگر با تصویر زنی فلوت‌نواز که بر حیوان عجیبی سوار است، نمونه بارزی از ظروف نقره با تصاویر نمادین از جهان شمرده می‌شود. (تصویر ۵) این ظرف را مربوط به سده‌های ششم و هفتم میلادی می‌دانند. در این تصویر، زمین، دریا، ماهی‌ها و گیاهان، موضوعات ثانویه‌اند. حیوان اصلی تصویر، موجود ترکیبی بی‌آزاری است که خصوصیات حیوانات کاری و اهلی را با هم دارد و دارای بال‌هایی همچون بال‌های پرنده و جثه‌ای به اندازه یک ماهی است. تصویر زیبای نوازنده زنی که سوار بر این حیوان عجیب است، نشان‌دهنده هماهنگی و نظم دنیاست که می‌توان برداشتی نمادین از آن کرد. این

تصویر، مربوط به هیچ ایزدبانویی نیست زیرا مشخصه‌ای که نشان شاهانه و یا ایزدی باشد ندارد. نوازنده فلوت بر حیوان عجیبی سوار است که بنا به نظر برخی از محققان، نمی‌تواند با اندیشه زردشتی ارتباطی داشته باشد؛ بلکه تصویری از جشن‌های عمومی و مردمی است. تفسیر این دسته از محققان چنین است: «کاکیل» که بیرونی از آن یاد می‌کند تا حدودی یادآور پدر مقدس مسیحیان است. او در روزهای مبارک و میمون ظاهر می‌شود و برای مردم هدایایی می‌آورد. مردم، روز آمدن او را سالانه جشن می‌گیرند. تصویر او با هفت رنگ مختلف رنگ‌آمیزی شده (تمام رنگ‌ها مانند رنگین کمان است) و بر روی گاو نری که از هفت نوع فلز ساخته شده سوار است. «کاکیل»، تمثیلی است از تمایل زمانه برای ترکیب تصاویر؛ همان گونه که درباره سیمرغ و حیوان شاخ‌داری که نوازنده فلوت بر آن سوار است می‌بینیم. نام «کاکیل» بسیار نزدیک به کاکل فارسی (موی بافته) است و زنان، در این ظروف دارای موی بافته بلندی هستند. فلزکاران برای نشان دادن گاو نری که مرکب از هفت نوع فلز است، با مشکلاتی مواجه بودند زیرا امکان نشان دادن هفت نوع فلز را بر روی نقره نداشتند. تنها راه ممکن برای آنان، طلاکاری و میناکاری سیاه بود. نکته قابل ملاحظه این است که هم در ادبیات و هم در هنرهای بصری، هنرمندان، همواره در پی گنجاندن و به نمایش گذاردن تنوع جهان در یک اثر مشخص و واحد بوده‌اند (Marshak, 1998: 86-88).

گلدان نقره دیگری، مربوط به سده هفتم میلادی، یافت شده که به صحنه‌هایی از مراسم انگورچینی مزین است. (تصویر ۶) سطح بدنه ظرف، با شاخه‌هایی از دو درخت موی وحشی پوشیده شده است. این دو درخت از یک سطح زمینی رشد کرده که از تل‌های کوچکی درست شده‌اند و نمایانگر منظره تپه‌ای و ناصاف‌اند. در پای یکی از درختان مو، سه انگورچین نیم‌برهنه انگورهایی را در خمرهای لگدکوب می‌کنند و چهارمین نفر، شیر انگور را در آمفورا می‌ریزد. در آن سوی گلدان، دو انگورچین دیگر سبدهایی از انگورهای چیده شده

را بر پشت خود حمل می‌کنند. بالای گلدان در میان شاخه‌ها، کودکی برهنه، ساقه مویی را می‌کشد و در نزدیکی او کودکی دیگر روباهی را دنبال می‌کند. در طرف دیگر ظرف، باز هم یک درخت مو وجود دارد که با تصاویر پرندگان و افراد کوچک مزین شده؛ از جمله پسری برهنه که با قلابی در دست، به یک جفت پرندۀ شکاری نزدیک می‌شود.

این آثار هنری، بدون شک، از مضامین گنجینه «دیونیسیک» الهام گرفته‌اند که در سده سوم میلادی در تمام امپراتوری روم شرقی تا کوشان گسترش یافته بود. درخت مو، در همه جا نماد زندگی جاودانه و پربار است. نوشته‌ای دور تا دور دهانۀ ظرف، حکاکی شده که توضیحی درباره وزن ظرف، مطابق با استانداردهای سال ۶۰۰ میلادی، می‌دهد. این نوشته بدین صورت است:

(...gw)(šn)sp NPŠH s-xx-xi ZWZN iii

دارایی....گشنسب، ۳۱ ستیر^۴ و سه درم.

(Harper, 1978: 51-55; McKenzie, 1971)

ظرف بیضی‌شکل دیگری از جنس نقره و زراندود، مربوط به این دوره به دست آمده است. (تصویر ۷ و ۸ و ۹) در پوستۀ بیرونی این ظرف، علاوه بر نقش چند جانور و گل و گیاه که در کل سطح ظرف به شکل پیچیده دیده می‌شود، چهار زن در دو طرف آن به چشم می‌خورند که با بدن برهنه در حال نواختن آلات موسیقی هستند. نوع آرایش موی این زنان، بسیار شبیه به تندیس‌های زنان برهنه‌ای است که در حاجی‌آباد پیدا شده است. در میان گیاهان، فردی دیده می‌شود که ریتونی در دست دارد که به سر گاو ختم می‌شود. مشابه این ریتون، در اشیاء باستانی نیز به دست آمده است.

همچنین بشقابی از این دوره یافت شده که داخل آن با نقش سه زن آراسته گردیده است. (تصویر ۱۰) برخی، زنی را که در مرکز تصویر قرار گرفته، موجودی فرازمینی (شاید آناهیتا) می‌دانند. این زن بر روی ستونی ایستاده و تاجی به سر دارد و بدنش با گردنبند، دستبند، آویز و پابند آراسته شده است. بدن او برهنه است و تنها ردایی به بلندای اندام، بر روی شانۀ راست او قرار گرفته و پشت

او را پوشانده است. زن با دست چپ خود که بالا برده شده، سر ردا را گرفته است و در دست راست خود، گلی (شاید نیلوفر آبی) دارد. دو کودک یا فرشته بالدار پای او را نوازش می‌کنند و دو کودک فرشته‌مانند، سایه‌بانی را بالای سر او نگه داشته‌اند. در دو طرف تصویر، دو فرد دیده می‌شوند که لباسی از شانۀ تا میچ پا بر تن دارند که در بخش بالای کمر، دارای نقش و در بخش زیرین کمر شفاف (توری) است. این دو تن، کلاه بر سر دارند و شلن زیبایی بر بالای سرشان قرار گرفته که در نهایت به دور بازوی آنان پیچیده شده است. زنی که در سمت چپ قرار گرفته، با دست چپ خود، جامی را بالا برده و با دست راست خود، پرندۀ ای را گرفته است. زنی که در سمت راست قرار دارد، با دست چپ خود، پرندۀ ای و با دست راست خود، عوددانی را گرفته است. پای هر دو نفر به صورت ضربدری قرار گرفته و گویی یک پای خود را بر کنارۀ بشقاب تکیه داده‌اند. پشت بشقاب، درون پایۀ آن، دو سطر نوشته با حروف غیر معمول دیده می‌شود:

1) 'c't lmyk

(۱) رامیگ آزاده یا آزاد رامیگ (اسم خاص)

2) s-xx-xx-xx-ximzd

(۲) ۷۱ ستیر. پاداش

شاید بتوان این سطور را بدین گونه تفسیر کرد که پادشاه یا هر فرد صاحب‌منصب دیگری، این کاسه را به عنوان پاداش برای انجام کاری به آزاد رامیگ هدیه داده است. (DeBlois, 2009: 13-16; McKenzie, 1971)

از آثار به دست آمده از این دوره می‌توان به تُنگ نقره‌ای دیگری اشاره کرد که اکنون در موزۀ متروپلیتن نیویورک نگهداری می‌شود و تاریخ ساخت آن را سده ششم و یا هفتم میلادی برآورد کرده‌اند. (تصویر ۱۱) این ظرف، طلاکاری شده و گردنی بلند و باریک دارد؛ گویی این طرح، مورد علاقه کارگاه‌های فلزکاری در اواخر دورۀ ساسانیان بوده است. پایۀ ظرف، تو خالی است و به تدریج، به سمت پایین پهن می‌شود. ظرفی مشابه این تُنگ در دست ایزدبانو آناهیتا قرار دارد که بر روی نقش برجستۀ صخره‌ای متعلق به خسرو دوم در طاق‌بستان نقش شده

می‌دهد و پشت این دام، خرسی قرار دارد. تصاویر دیگر، دربردارنده افرادی است که مشغول نواختن سازی از جمله عود، طبل و سُرنّا هستند. همراهی صدای طبل با صحنه کُشتی، غیرمعمول نیست. کشتی و ورزش‌های دیگر، از دوران قدیم در خاورمیانه همراه با موسیقی انجام می‌شده است. تصور می‌شود رسم کنونی نواختن ضرب در زورخانه‌ها نیز از دوران پیش از اسلام به جا مانده باشد. (Harper, 1978: 51-55)

ظرف دیگری که از دوره ساسانی برجای مانده، یک گلدان نقره‌ای است با تصویر چهار زن که تنها زمینه آن طلاکاری شده و تصاویر، همه از جنس نقره هستند. (تصویر ۱۸) دور تا دور لبه ظرف، جایی که بدنه به گردن ظرف متصل می‌شود، مهره‌هایی نصب شده‌اند. سه تن از زنان، آلات موسیقی از جمله فلوت، یک جفت قاشق و شیپور به دست دارند و چهارمی، موی خود را در دست گرفته است. در بین تصاویر زنان، تصویر چهار کودک دیده می‌شود که هر یک با پرنده‌ای همراه است، به غیر از چهارمین کودک که گلی در دست دارد. با نگاه اول به این تصاویر، به نظر می‌رسد که این زنان برهنه‌اند؛ حال آن که با اندکی توجه می‌توان لباس‌های تنگی که تا کمر و قوزک پا می‌رسد را تشخیص داد. هر چهار زن سربندهایی دارند که بند آن از پشت دیده می‌شود. موی سر این زنان، تا حدودی بالای سرشان جمع شده و چند رشته از آن نیز از پشت سر آویزان است. همه آن‌ها گردن‌بند دارند و اطراف سرشان هاله‌هایی به چشم می‌خورد؛ به سبب همین هاله‌هاست که برخی، این تصاویر را از جنبه مذهبی تفسیر کرده‌اند؛ در حالی که در نقوش برجسته صخره‌ای از اهوره مزدا و یا آناهیتا، هیچ‌گاه هاله‌ای در اطراف سر این ایزدان دیده نشده است. (Olson, 2008: 6-8)

تُنگ نقره‌ای دیگری با زمینه طلاکاری شده و با تصاویر سه زن یافت شده است. (تصویر ۱۹) اغلب ظروف این دوره، دربردارنده تصویر چهار و یا شش زن هستند و این تنها ظرفی است که تصویر سه زن بر روی آن نقش بسته است. هر سه زن، بر روی سطحی هموار

است. ظرف، دسته‌ای دارد و در بالای بازوی دسته، تویی هم سطح با لبه ظرف قرار گرفته است. پوشش نقره و طلاکاری شده ظرف با تصویر زنی که پرنده و ساقه گیاه مو در دست دارد، تزیین یافته است. طرح برگ و انگور رونده بر روی بخش برآمده زیر گردن و بالای پایه ظرف به چشم می‌خورد. در این تُنگ، چهار طاق قوسی شکل بر روی ستون‌های کوتاه سوار است. این قوس‌ها، هر یک شامل تصویر زنی در حال رقص است که شیئی را در دست دارد. طاق‌ها از گلبرگ‌های برجسته درست شده است و ستون‌ها با مضمون تاک‌های رونده، بدنه نیمه نخل و پایه گلبرگی شکل تزیین شده‌اند. زنان رقصان، لباس‌های تنگ با آستین بلند و از جنس حریر به تن دارند و تکه پارچه دیگری نیز از ران‌ها به دور بدن ایشان پیچیده شده است. تمام زنان، النگو، گردن‌بند و دیهیم جواهرشان دارند. به نظر می‌رسد که موی آنها به شکل گیس‌بافته بلندی با کاکل کوچکی بالای سر، آرایش شده است. نشانه‌هایی که این زنان در دست دارند عبارتند از: گلی به شکل قلب، تُنگی که ببری از آن آب می‌نوشد، پرنده‌ای و گلی با شاخه بلند، سطل کوچکی همراه با آیینه و پرنده‌ای در حال نوک‌زدن به یک خوشه انگور. (Harper, 1978: 60-61)

کاسه نقره‌ای طلاکاری شده‌ای اکنون در موزه کلیولند نگهداری می‌شود که تاریخ ساخت آن سده هفتم میلادی و مربوط به اواخر دوره ساسانیان است. (تصاویر ۱۲-۱۷) این کاسه‌ها برای نوشیدن به کار می‌رفتند و با تصاویری همچون صحنه‌های زندگی درباری و تمثال نجیب‌زادگان، نوازندگان، رقص و شکار تزیین شده‌اند. برهنگی جوانان بر روی این کاسه‌ها و قرار دادن ایشان درون قاب‌هایی از انگور و برگ مو، مضمون ظروف را خارج از زندگی روزانه قرار می‌دهد. در مدال مرکزی این کاسه، یک پرنده شکاری در حال صید کردن حیوانی دیده می‌شود که مضمون رایجی در هنر باستانی خاورمیانه است. اما آنچه که بیشتر به تصاویر و هنر غربی مربوط می‌شود، صحنه‌ای است که در آن جوانی با نیزه خود، دام شکاری را هدف قرار

و زیر طاق‌هایی شبیه به طاق‌های قوسی‌شکلی که در معماری دیده می‌شود، ایستاده‌اند. هر سه، دامن‌هایی به پا دارند که در اطراف قوزک پا گشاد می‌شود. دور سر این زنان نیز، هاله‌هایی دیده می‌شود. آرایش موی آن‌ها، مانند زنان تصویر پیشین است و سربندهایی به سر دارند که موج‌وار، پشت سرشان آویزان است. در دو دست یکی از زنان، گل و پرندۀ قرار گرفته؛ دیگری در مقابل خود طاووس دارد و در یکی از دستانش، جام و سومین زن، با یک دست خود کودکی را از بازو و با دست دیگرش ظرف میوه‌ای را نگاه داشته است (Olson, 2008: 8-9). طاق‌هایی که در این ظرف منقوش شده، برخی از محققان را به این نتیجه رسانده که این زنان، کاهنه‌های معابد آناهیتا هستند. (Gunter & Jett, 1992: 192) دوشن گیمین نیز این طاق‌ها را نشانه‌ای از معابد آناهیتا می‌داند، (Duchesne-Guillemin, 1971: 379) اما به نظر می‌رسد که این سبک معماری، مقدم بر دورۀ ساسانی است و بخشی از سلیقۀ هنری رایج در شرق و غرب را دربردارد (Harper, 1971: 505).

ظرف دیگری که در اینجا به معرفی آن خواهیم پرداخت، تنگی است که با تصویر چهار زن منقوش شده است. (تصویر ۲۰) این ظرف از لحاظ ترکیب تصویری، شبیه به ظرف پیشین است. پیش‌زمینۀ آن طلاکاری شده و زنان، لباس‌های مشابه پوشیده‌اند؛ البته زنان منقوش روی این ظرف از ناف به بالا برهنه‌اند و تنها، دامنی موج‌دار به تن دارند. آرایش موی این زنان نیز مانند ظرف پیشین است اما اطراف سرشان هاله‌ای دیده نمی‌شود. نخستین زن، دَلو و پرندۀ دومین زن، شاخۀ تاک و گل؛ سومین زن، یک سگ و کاسه‌ای میوه و آخرین آن‌ها، کودکی را از بازو گرفته و اناری در دست دارد. این تصاویر نیز برخی از پژوهشگران را به این سمت سوق داده که این زنان، تجسمی از ایزدبانو آناهیتا هستند؛ بدین صورت که اولین زن، ایزدبانوی آب؛ دومین، ایزدبانوی گیاه؛ سومین، ایزدبانوی کشاورزی و آخرین، ایزدبانوی باروری است (Shepherd, 1964: 80; Olson, 2008: 9-10). دختران در حال رقص که نشان‌های خاصی به همراه

دارند، مضمون رایج هنر دوران ساسانی است. این تصاویر را روی تعداد زیادی از ظروف، به خصوص ظروف نفرة تخم‌مرغی شکل یا گرد می‌توان دید. تعداد این زنان، اغلب، چهار و یا شش است که در قاب‌های قوسی‌شکل نمایش داده می‌شوند. اما این پرسش مطرح است که آیا این زنان، تصاویر ایزد بانوی زردشتی، آناهیتا (ایزد باروری و آب‌ها) هستند، یا دستیاران او در انجام مراسم مذهبی و یا اینکه این تصاویر تنها مربوط به جشن‌های فصلی است و هیچ تفسیر اساطیری و مذهبی ندارد.

پژوهشگران، تاکنون، نظرات مختلفی برای تفسیر این نقوش ارائه کرده‌اند. ریچارد اتینگهاوزن معتقد است تصویر این زنان، ارتباط تنگاتنگی با آیین رایج در بلخ دارد و گویا بیانگر شباهتی بین آیین و آیین مرتبط با ایزدبانوی باروری ایرانیان به نام آناهیتا است (Ettinghausen, 1967: 36-4). اما الگ گرابر می‌گوید: این ظروف دارای مضامین آیینی یا مذهبی نیستند بلکه نمایانگر گروهی از ظروف می‌باشند که تصاویری از زندگی مادی ارائه می‌کنند و برای خوشگذرانی شاهان و شاهزادگان ساخته می‌شدند. (Graber, 1967: 61)

در اینجا نکته قابل توجه این است که زنان منقوش بر ظروف دورۀ ساسانی، نمادهایی از نعمات خداوند مانند پرندگان، حیوانات، گیاهان و کاسه‌های میوه و یا ظروف مربوط به جشن‌ها را در دست دارند و این نقش‌ها، همواره تکرار می‌شوند. اشیائی با چنین نقش‌هایی در دنیای غرب نیز وجود دارد که یادآور فصل‌ها و ماه‌ها هستند. به همین سبب، برخی از محققان این طرح‌ها را تجسمی از جشن‌های فصلی معمولی در ایران ساسانی می‌دانند. جشن‌های فصلی در ایران، دارای اهمیت ویژه‌ای است. «بیرونی» در فصلی از کتاب خود در باب جشن‌های سالیانۀ ایرانیان سخن می‌گوید و نظام پیچیدۀ جشن‌های فصلی را توضیح می‌دهد.^۵

(Harper, 1978: 60-61; Orbeli, 1938: 735; Godar, 1965: 214-15; Harper, 1979: 109-10)

نتیجه گیری

می‌رسد که این نقوش متعلق به جشن‌های فصلی بر گزار شده در دربار ساسانی باشند.

در این ظروف، زنان به زیبایی تصویر شده‌اند و لباس‌ها و زیورآلات زیبایی بر تن دارند. همچنین حیوانات منقوش از بهترین حیوانات هستند. انگور، بهترین میوه و درخت شکوفا و سرسبز، کنایه از فرا رسیدن بهار و زندگی پر ثمر است. طرح برگ و موج رونده بر این ظروف، می‌تواند مفهوم باروری و سعادت داشته باشد. از این‌رو، تصاویر منقوش بر این ظروف را می‌توان همچون استعاره‌هایی قابل رؤیت تفسیر کرد که بیان‌کننده اندیشه‌ها و باورهای اجتماعی و آیینی ایران باستان و دین زردشتی هستند.

تمام این مضامین، به زندگی مادی و ستایش آن اشاره دارد. هر زردشتی، موظف است به زندگی و تن مادی خود ارج نهد و از مواهب مادی بهره برد. این دنیای مادی، آفریده اهوره مزدا است و اگرچه اکنون دچار حمله اهریمن گشته، اما این وعده داده شده که با نابودی اهریمن بار دیگر، سراسر نیکی خواهد شد. زنان زیبا، رقص، موسیقی، کودکان، حیوانات مفید، میوه‌های گوارا، همگی بیانگر زندگی آرمانی است که به هر زردشتی وعده داده شده و پس از نابودی کامل اهریمن نصیبش خواهد شد. زندگی، بدون کژی‌ها و ناراستی‌هایی که اهریمن وارد کرده و برابر با آنچه که در آغاز، پیش از حمله اهریمن وجود داشته است. چیزی شبیه به بهشت اسلامی با همان زندگی موعود که در انتظار نیکوکاران است و شاید به همین سبب کاربرد این ظروف در ایران اسلامی نیز رواج داشت. نظم دیداری موجود در این ظروف نیز یادآور همان نظم اهورایی است که با حمله اهریمن از بین رفته اما وعده بازگشت دوباره آن داده شده‌است. ناگفته پیداست که برای یک اثر هنری ناب، نمی‌توان معنا و تفسیر مشخص و دقیقی ارائه کرد. ظروف فلزی ساسانی نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ این آثار، به سبب نیازهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی آن دوره تولید شده‌اند و درک این نیازها در دنیای مدرن به راحتی امکان‌پذیر نیست. در واقع، یکی از دلایل

ظروف فلزی ساسانی با تصاویر منقوش بر آن از زیباترین و تحسین برانگیزترین آثار به‌جامانده از این دوره‌اند و به همین سبب توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب نموده‌اند. از میان این ظروف، آن دسته که منقوش به تصاویر جشن، شادی، زنان رقصنده، نوازندگان، کودکان، گیاهان و حیوانات هستند از تفاسیر پیچیده‌تری برخوردارند.

همانطور که گفته شد، برخی از محققان معتقدند که زنان منقوش بر این ظروف، تصاویری از ایزد بانو آناهیتا هستند. برای اثبات این مدعا باید شباهتی میان آن‌ها و دیگر نقوش به‌جامانده از آناهیتا وجود داشته باشد؛ حال آن‌که نقش برجسته‌هایی که از آناهیتا وجود دارد، هیچ‌یک شبیه به تصاویر زنان روی این ظروف نیستند. لباس‌ها، آرایش مو، زیورآلات و سایر ویژگی‌ها در نقش‌های ذکر شده متفاوتند. حتی توصیفات که از آناهیتا در اوستا آمده با این نقوش تفاوت دارد (ر.ک. یشت‌ها، ۱۳۷۷/۱: ۲۳۲-۳۰۳). برخی دیگر از پژوهشگران، این زنان را کاهنه‌های معابد آناهیتا می‌دانند. اما این امر نیز بعید به نظر می‌رسد زیرا این تصاویر، به هیچ‌یک از قواعد هنر ساسانی در به تصویر کشیدن شخصیت‌های مذهبی شباهت ندارد. عده‌ای دیگر از محققان، این نقوش را تصاویری از جشن‌های درباری فرض کرده‌اند و چهره‌های منقوش را همان درباریان و افراد صاحب‌نفوذ و نجیب‌زادگان می‌دانند؛ در حالی که این تصاویر با نقوش برجسته و سکه‌های به‌جامانده از این افراد هیچ شباهتی ندارد.

بر روی برخی از این ظروف، نام صاحبان آنها حک شده که ناشناس بودن این نام‌ها در تاریخ ساسانی، خود دلیلی بر این مدعاست که ظروف یافت‌شده متعلق به دربار نیستند. از سوی دیگر، ثبت تصاویر جشن‌های فصلی در دوره ساسانی کار متداولی نبوده است و در هیچ‌یک از آثار هنری به جا مانده از این دوره، نقوش مشابهی دیده نمی‌شود. بنابر این دلایل، بعید به نظر

- 17, *Exegisti Monumenta: Festschrift in Honour of Nicholas Sims-Williams*, ed. W. Sundermann, Almut Hinze & Francois de Blois, Wiesbaden, Harrassowitz Verlag
12. Frye, R.N., (1973), "Sasanian Numbers and Silver Weights", *Journal of the Royal Asiatic Society*, London
13. Godard, A., (1965), *The Art of Iran*, tr. Michael Heron, London, G. Allen & Unwin
14. Graber, O., (1967), *Sasanian Silver Late Antique and Early Medieval Arts of Luxury From Iran*, Michigan, University of Michigan Museum of Art
15. Gunter, A.C. & Jett, P., (1992), *Ancient Iranian Metalwork in the Arthur M. Sackler Gallery and the Freer Gallery of Art*, Washington D.C., Smithsonian
16. Harper, P.O., (1971), "Sources of Certain Female Representations in Sasanian Art", *In Atti del Convegno Internazionale sul Tema: La Persia nel Medioevo (Roma 31 Marzo-5 Aprile 1970)*, Roma, Accademia Nazionale dei Lincei
17. _____, (1978), *The Royal Hunter*, New York, Asia Society in Association with J. Weatherhill
18. _____, (1979), "Court Silver of Sasanian Iran", *Highlights of Persian Art*, Colorado, Westview Press
19. _____, (1986), "Art in Iran: Sasanian", *Encyclopedia Iranica*, ed. E. Yarshater, vol. II, New York, Routledge & K. Paul
20. Henning, W.B., (1959), "New Pahlavi Inscriptions on Silver Vessels", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies University Of London*, vol. XXII, London
21. McKenzie, D.N., (1971), *A Concise Pahlavi Dictionary*, London, Oxford University Press
22. Marshak, B.I., (1998), "The Decoration of Some Late Sasanian Silver Vessels and its Subject Matter", *Art and Archaeology of Ancient Persia*, London
23. Olson, M., (2008), *Goddesses, Priestesses, Queens and Dancers: Images of Women on Sasanian Silver*, Illinois Weleyn University
24. Orbeli, J., (1938), "Sasanian and Early Islamic Metalwork", *Survey of Persian Art*, vol. II, London, Oxford University Press
25. Scerrato, U., (1966), "Sasanian Art", *Encyclopedia of World Art*, vol. XII, London, McGrawhill
26. Shepherd, D., (1964), "Sasanian Art in Cleveland", *Bulletin of the Cleveland Museum of Art*, Cleveland
- تصاویر بر گرفته از:

<http://www.clevelandart.org>
depts.washington.edu
raeeka.wordpress.com

ماندگاری این ظروف و جلب توجه محققان پس از حدود ۱۳ قرن نیز، همین مبهم و چند معنا بودن آن‌هاست که این را می‌توان از ویژگی‌های هر اثر هنری ناب دانست.

پی‌نوشت‌ها

۱. دیونسیسک (Dionysiac): مضامینی که از تصویر ایزد شراب در اساطیر یونانی وام گرفته شده‌اند. (Ettinghausen, 1972: 3-10)
۲. هر درم معادل حدود ۳ گرم است. (مصاحب، ۱۳۴۵: ۹۷۳)
3. Šarwēn
۴. stēr همان سیر واحد وزن که معادل ۱۶ مثقال است. (مصاحب، ۱۳۴۵: ۸۱۸)
۵. (ر.ک. بیرونی، ابوریحان، آثارالباقیه عن القرون الخالیه، لایپزیگ، ۱۹۲۳: ۲۱۵-۲۳۹)

منابع

۱. بیرونی، ابوریحان، (۱۹۲۳)، *آثار الباقیه عن القرون الخالیه*، به کوشش زاخو، لایپزیگ، اوتوهارا سوویتز.
۲. گیرشمن، رومن، (۱۳۵۰)، *هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی*، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. مصاحب، غلامحسین، (۱۳۴۵)، *دایرةالمعارف مصاحب*، تهران، انتشارات فرانکلین.
۴. مصطفوی، محمدتقی، (۱۳۳۸)، «صحنه‌هایی از رامشگران دوره ساسانی بر ظروف نقره موزه ایران باستان»، *موسیقی، دوره سوم*، شماره ۳۳.
۵. یشت‌ها، (۱۳۷۷)، تفسیر و ترجمه ابراهیم پورداود، تهران، اساطیر.
6. Azarpay, G (2000), "A Sasanian Art Beyond the Persian World", *Mesopotamia and Iran in the Parthian and Sasanian Periods: Rejection and Revival C.238 B.C.-A.D. 642*, London, Trustees of the British Museum Press
7. Chegini, N.N., Nikitin, A. V., (1996), "Sasanian Iran-Economy, Society, Arts and Crafts", *History of Civilization of Central Asia, The Crossroads of Civilizations A.D. 250 to 750*, ed. B.A. Litvinsky, UNESCO
8. Duchesne-Guillemin, J., (1971), "Art et religion sous les Sassanides", *In Atti del Convegno Internazionale sul Tema: La Persia nel Medioevo (Roma 31 Marzo-5 Aprile 1970)*, Roma, Accademia Nazionale dei Lincei
9. Ettinghausen, R., (1967), "A Persian Treasure", *The Arts in Virginia*, 8
10. _____, (1972), *From Byzantium to Sasanian Iran and the Islamic World: Three Modes of Artistic Influence*, Vol. III. *The L.A. Mayer Memorial Studies in Islamic Art and Archaeology Series*. Leiden, E J Brill
11. De Blois, F., (2009), "A Sasanian Silver Bowl", *Iranica*



۵



۷



۸



۶

۱۱



۹



۲۷



۱۲



۱۰

۱۳



۲۸

۱۴



۱۵



۱۶



۱۹



۱۷



۲۹



۲۰

۱۸



۱۸

